



تعلیم و تربیت دوران دیجیتال



فریدالدین حداد عادل

«فناوری دیجیتال» رکن جدی آموزش و پرورش پیش روست. مدرسه و دانش آموز بدون اطلاع لحظه به لحظه از فعل و انفعالات فناورانه نمی‌توانند درست رفتار کنند. غیربومی بودن فرهنگ و سواد دیجیتال ایجاب می‌کند مسئولان ملاحظات بومی فرهنگی عصر جدید را بیشتر لحاظ کنند. مدرسه‌ها، مدیران و معلمان گاهی با همین دغدغه‌های مهم و ارزشمند از سیر رشد و ترقی بازمی‌مانند. ما ناچاریم با رعایت توجهات مهم ارزشی و انگیزشی در دنیای دیجیتال پیشناز باشیم. در این زمینه توجه به بار مالی تجهیز مدرسه‌ها برای برخورداری و استفاده از دانش رایانه و سپس فهم ویژگی‌های زیست عصر دیجیتال را نباید از نظر دور بداریم. مدرسه به‌عنوان یگان عملیاتی دخیل در این تحول بزرگ، از حیث بار مالی با مشکلاتی روبه‌روست؛ از جمله هزینه‌های سرسام‌آور تجهیز سخت‌افزاری مدرسه؛ تغییرات کالبد فیزیکی مدرسه؛ حفظ مخاطب از طریق پایین نگه‌داشتن هزینه‌های مدرسه؛ جایگزینی معلمان که توانایی حضور و بروز دیجیتال ندارند، با مربیان و فعالان پارانرژی آشنا با حوزه کار دیجیتال. این اتفاق حتماً بار مالی سنگینی دارد، چرا که امروزه متخصصان عرصه دانش رایانه و دیجیتال در بازار کسب و کار متقاضیان بسیار دارند. مقاومت طبیعی معلمان و روش‌ها و ساختارهای پیشین را نیز نباید از نظر دور داشت. یک تلقی غلط درباره زیست دیجیتال وجود دارد و آن اینکه برخی فکر می‌کنند ارتباطات مجازی متعلق به سن نوجوانی به بعد است. امروزه ضرورت تعلیم سواد رسانه‌ای و سواد دیجیتال حتی از مهدکودک‌ها احساس می‌شود. مدرسه‌های ابتدایی سراسر دنیا با مقوله تعلیم و تربیت دیجیتال درگیرند و این اتفاق در سنین پایین رخ داده است. هوش مصنوعی، فضای مجازی، بسترها، دستگاه‌های متعددی که روز به روز نو می‌شوند، دنیای دیجیتال و... زندگی متفاوتی را برای آینده بشر رقم می‌زنند. ما مجبوریم به کودکانی که همیشه والدین خود را گوشی به دست می‌بینند و رایانه کیفی یا رایانک برای این والدین از هر چیزی مهم‌تر است، ابعاد گوناگون این زندگی و عرصه را تعلیم دهیم.

ما چگونه می‌توانیم در فضای مجازی بهتر زیست کنیم و بهتر معلمی کنیم؟ زیست‌بوم دیجیتال ویژگی‌های خود را دارد و ما نیازمند کاربست دقیق خصوصیات آن هستیم. «تعاملی بودن» اصلی‌ترین خصیصه آموزش دیجیتال است. چهار عرصه راهبری فرهنگ، فناوری و تعیین خط‌مشی‌ها در حوزه تعلیم و تربیت نیازمند برنامه‌ریزی تعاملی دیجیتال هستند. دانش‌آموز آنچه را می‌خواهد، از آن کسی که می‌پسندد فرامی‌گیرد؛ آن هم در ساعت دلخواه خود و بسته به شرایط فکری و ذهنی خویش. این اتفاق به‌طور طبیعی رخ می‌دهد. عرصه دانش بسیار متنوع و زیاد شده است و به‌طور طبیعی رقابت علمی و مادی در این پهنه گسترش یافته است.

«تغییر موقعیت معلمی» خصیصه دیگر محیط دیجیتال است. معلم که در ذهن و چشم اکثر ما به‌مثابه دانای کل تلقی می‌شود، تغییر کاربری و موقعیت یافته است. معلمان در دوران دیجیتال با مسائل جدیدی روبه‌رو هستند: الف) معلم اکنون بیشتر یک مشاور امین یا راهنمای مطالعه دقیق، یا یک برنامه‌ریز توانا و ناصح باتجربه است. معلمان ضعیف به سرعت و با شدت حذف می‌شوند. حذف معلم به معنی بی‌اعتبار شدن او و رفتارهایش در محیط آموزشی و تربیتی است. معلمان قوی نیز دیگر اعتبار خود را از تدریس چندکلاس درس در طول سالیان متمادی کسب نمی‌کنند؛ ب) معلمان قوی و محبوب در عرصه‌های آموزش‌های مهارتی ممتازند و مورد توجه قرار می‌گیرند. مهارت‌های فنی و غیرفنی ملاک برتری و امتیازدهی ذهنی و چشمی دانش‌آموزان به معلمان هستند. در پاره‌ای از مدرسه‌های بنام امروز جهان و ایران، از حجم دانش صرف کاسته شده است و مهارت‌ها، بسته به سن و موقعیت دانش‌آموز، آموزش داده می‌شوند. در سنین پایین‌تر، مهارت‌های تربیتی نظیر مهارت خشم، تقویت تفکر و آموزش پایه‌ای هنر، و در سنین بالاتر، انواع روش‌های تحقیق، اصول کار گروهی ابتدایی و پیشرفته و اصول تعاملات رفتار جمعی تمرین می‌شود. آموزش حقوق مادی و معنوی دنیای دیجیتال نیز یکی از وظایف معلمان و مدرسه‌هاست.